

آموزش نظری نگارش و ویرایش با رویکرد تطبیقی

۱- شیوه‌ی املاي فارسی

۲ "باید" ها و "نباید" های املاي فارسی

۳- رسم الخط فارسی در زبان معیار

۴- کلمات دخیل در املاي فارسی

۵- واژه گزینی در نگارش

زینب کرمی

حشمت الله گولیوند

دبیر ادبیات دبیرستان

استاد یار مراکز آموزش عالی

سرتیسامه	:	کولیوند، حشمت‌الله، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور	:	آموزش نظری نگارش و ویرایش با رویکرد تصیفی : ۱- شیوه‌ی املا‌ی فارسی، ۲- "باید" و "نباید"های املا‌ی فارسی
مشخصات نشر	:	تهران: انتشارات اساتید ایران، ۱۳۹۰-
مشخصات ظاهری	:	ج. ۲۴ × ۱۷ س.م.
فروشنده	:	مجموعه آموزش تکمیلی فارسی عمومی
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۶۳۸۶-۲۲-۸ : ۵۰۰۰ ریال
موضوع	:	فن نگارش
موضوع	:	ویراستاری -- دستنامه‌ها
موضوع	:	فارسی -- املا
موضوع	:	حرف فارسی
شماره افزوده	:	کرمی، ربیع، ۱۳۵۲
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۰/۹۵۱۸/۶۳۸۶-۲۲-۸ PIR
رده بندی دیویی	:	۸۰۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۴۶۷۲۴۶

نام کتاب.....آموزش نظری نگارش و ویرایش با رویکرد تطبیقی

مؤلفان.....حشمت‌الله کولیوند - ربیع کرمی

ناشر.....انتشارات اساتید ایران

تایپ و صفحه آرایی.....سامان کولیوند

چاپ اول.....۹۱

شمارگان.....۲۰۰۰ جلد

قیمت.....۵۰۰۰ تومان

شابک-۸-۲۲-۶۳۸۶-۹۶۴-۹۷۸-ISBN978-964-6386-22-8

تلفن مرکز پخش.....۶۶۵۷۲۴۹۰

باسمه تعالی

به نام آن که هر چه هست از اوست

اهمیت ویراستاری بسیار بیشتر از نویسندگی است

مقدمه

در این دنیا، هیچ چیزی بدون انگیزه یا به عرصه وجود و هستی نگذاشته است. و این زایش‌ها بدون درد و مشکلات نبوده است. آنچه که در اینجا باعث و برانگیزاننده اینجانب در تدوین این مجموعه گردید، درد نگارش و آیین نگارش در زبان فارسی است که هر گاهی و پس از مدت زمانی وقفه از زبان استادی صاحب دل و درد آشنای به زبان فارسی این دردها و کمبودها مطرح می‌گردد و مانند ابر بهاری با عمر کوتاه به فراموشی سپرده می‌شوند. در این مختصر سعی شده است به گوشه‌ای از این دردها پرداخته شود.

مهمترین مشکلات نگارش در کشور ایران:

۱- کمبود نیروی کارآمد و حرفه‌ای در رسانه‌ها و به ویژه مطبوعات و رادیو و تلویزیون:

در دنیایی که شاهد رشد سریع مطبوعات، نشریات و کتب از سوی سازمان‌ها و وزارت‌خانه‌ها و اشخاص هستیم، اولین مشکلی که ذهن همه افراد را به خود متوجه می‌سازد، تأمین نیروی انسانی است. خبرنگار،

مفسر و نویسنده و... کالایی یدکی نیستند که سریع بتوان تهیه کرد بلکه نیازمند آموزش و تجربه و فن‌آوری خاصی است که از عهده هر شخصی بیرون است؛ لذا اولین کار ناشرین استمداد از افراد سایر نشریات و ارگان‌ها می‌باشد و از اینجااست که پدیده «چند شغلی» در امر نگارش مطبوعات و نشریات بوجود می‌آید و کسانی پیدا می‌شوند که در آن واحد برای سه یا چهار و حتی پنج نشریه خبر و مطلب تهیه می‌کنند: طبیعی است پرنویسی مساوی است با سطحی نوشتن و تکراری نوشتن!

کمبود نیروی انسانی و کارآمد تنها به مطبوعات و رسانه‌ها بر نمی‌گردد. بلکه تربیت نیروی انسانی نیز متناسب با روند رشد نبوده و یا اگر کافی باشند با توجه به گرفتاری‌های زندگی و شغلی در عصر جدید، خود را در برابر سلاح پیشرفته رسانه‌ها در جهان پر آشوب امروزی آماده نمی‌کنند که نمونه آنرا می‌توان دبیران ادبیات در دبیرستانها و مدارس راهنمایی و ابتدایی و کادر اداری وزارت خانه‌ها پیدا کرد که در امر نگارش و فراگیری شیوه‌های نوین نگارش کوتاهی و تعلل می‌نمایند.

۲- عدم توجه به استعدادهای درخشان در امر آموزش ادب فارسی و دستور و نگارش:

توجه و دلسوزی به احیای زبان فارسی و تقویت نگارش کمک خواهد نمود افراد محوری آن باید از استعداد ویژه و زمان کافی برای مطالعه و پژوهش برخوردار باشند. گسترش دانشکده‌های ادبیات با عناوین مختلف در این سالیان، سهم رشته ادبیات را از استعدادها ته‌مانده‌ها و غرمال شده‌های رشته‌های مختلف کنکور است و ارایه مدارک کاردانی و کارشناسی ادبیات فارسی به آنها، شرطی و طرحی ناقص است

برای گسترش زبان فارسی و شاید بهترین راه این باشد که امکاناتی فراهم شود تا این استعدادها و توجه به زبان فارسی از دوران مختلف تحصیلی و پایین‌تر از دانشگاه شناسایی و پرورش داده شوند و اگر بعداً گذرشان به دانشکده هم افتاد زهی خوش شانس و اگر وارد کادر اجرایی سازمانهای دیگر نیز شوند از مغالطه کاری و اشتباه کاسته می‌شود.

۳- واژه مزمن دانش‌آموزان از پرداختن به نوشتن و ...

آینده‌سازان زبان فارسی به خاطری توجهی دبیران ادبیات و یا ضعیف بودن دیگر دبیرانی که برای تدریس ادبیات در مدارس مشغول می‌شوند؛ با سرخوردگی و ملالتی و دلهره‌ای خاص به درس انشا می‌نگرند. دبیران مختلف و سلیقه‌ها و معلومات مختلف نه تنها هدف غایی از درس ادبیات را در ذهن دانش‌آموزان زنده نمی‌کند بلکه آنرا بصورت درسی مکمل معدل و نمره آور در کنار درسهای دیگری مانند ریاضی (حسابان) و شیمی و فیزیک کرده است. و همین عامل باعث شده است که قسمت قابل ملاحظه‌ای از جوانانی که هر سال دیپلم می‌گیرند از نوشتن یک نامه عادی با نثری معمولی و برای بیان مقصودی پیش پا افتاده عاجزند.

۴- زمینه سازی تمرین و آموزش همگانی:

اکثر افراد جامعه و دانش آموزان ما، آن مایه فکری و تعداد واژه‌ای که برای نوشتن و شروع کردن لازم دارند، در مخیله خود دارند اما نداشتن تمرین و عدم راهنمایی افراد، مانع شکوفایی استعدادهای آنان شده است. بررسی نکات نگارش انشا در دبیرستانها و مدارس دیگر، توجه به نوشتن روزنامه دیواری در مدارس و مساجد و اماکن عمومی یکی از راههای کم هزینه و سریع نتیجه رشد نگارش افراد است که چند نتیجه دیگر را نیز باید جامعه می‌نماید از جمله افزایش آگاهی‌های مختلف، دقت بیشتر در امر مطالعه و روزنامه خوانی و از همه مهمتر احیای زبان مادری و زبان متندر فارسی و.....

۵- احساس تعهد رسانه‌ها به امر آیین نگارش:

رسانه‌ها که وسایل ارتباط جمعی دنیای امروز (رادیو، تلوویزیون، مطبوعات) نامیده می‌شوند گاه با غلط‌های چاپ و نگارش، به مخاطبین می‌رسند و این نیازمند توجه بیشتر ویراستار و پیرایش آن از لغات غیر اصولی و شایع است. از دیگر ضعفهای رسانه‌ها عدم هماهنگی با سبک نگارش در بکار بردن واژه‌های جدید از جانب فرهنگستان می‌باشد.

۶- گفتار به جای عمل:

آنچه که بر چاپ رسانه‌های نوشتاری ما حکومت می‌کند مادیات است. در تمام این کشور صاحب نظر در امر نگارش و ویرایش اگر به وفور نداشته باشیم، دلیل بر نبودن این افراد نیست، اما متضمن پرداخت هزینه است و با اینکه مسئولین رسانه‌ها درد نگارش را می‌دانند اما به راحتی از کنار آن می‌گذرند. در مجلات

اخبار ورزشی، علمی، هنری، مطالب ادبی و یا سرگرم کننده وجود دارد؛ اما در بعضی از آنها در یک صفحه داخلی در یک چارت کوچک، لطف می‌نمایند چند سطر تحت عنوان چگونه بنویسیم و یا زبان فارسی را پاس بداریم، چاپ می‌شود. اما همین نشریات در چاپ‌های بعدی خود به گفتار قبلی خود عمل نمی‌نمایند مثلاً شبکه پیام دارای غلط‌های چاپی و ... در روی صفحه نمایش خود است.

۷- تعیین هدف و روش احیای نگارش:

در اغلب منابع بلای تحریف مسند شده است. مثلاً دست‌های غرض آلود مستشرقان، یهودیان، مسلمانان مقلد. حتی ماتریالیست‌ها و استعمارگران بسیاری از حقایق اسلامی را آلوده کرده و ناقص جلوه داده‌اند. در جایی که برخی از منابع از سوی دوستان نادان و با دشمنان زیر دست آلوده شده است. در حالیکه انواع گزیده برداریها و وام‌گیری‌ها بر زبان فارسی تحمیل شده است. باید برای مردم و مسئولین این امر آشکار شود که هدف: بازگشت به اتحاد و احیای زبان فارسی است و اینکه عبارات عربی را تبدیل به فارسی می‌نمایند دلیل بر غرض ورزی با اسلام است گفته‌ای است غلط و بیگانگان و بقول "جلال آل احمد" تبلیغ این انگورهای نوآورده غرب است و احیای زبان فارسی زمینه گسترش بیشتر اسلام و عقاید اسلامی را نیز فراهم می‌نماید که کلام گهربار حضرت علی(ع) در آغاز سخن بهترین راهنماست.

راه درست منظم کردن عبارات برای نتیجه‌گیری‌های صحیح است و تلاشی است برای پیدا کردن بهترین راه که در سایه آن بتوان به حقیقت رسید و اشتباهات و انحرافات را به حداقل رسانید. روش‌های علمی و

غیر علمی را برای مردم و سایر دست اندرکاران بیان نمود تا هم زودتر به هدف برسیم و هم ضایعات ملی و مالی را به حداقل برسانیم. شستشوی مغزی و ذهنی در اینجا ادبی است نه دینی و اعتقادی و وفاداری به این طرح‌ها، وفاداری به دین و کشور است.

۸- تعیین ملاک‌ها در امر نگارش:

در مسیر تغییر واژگانی و رسم الخط فارسی قطعاً به نظرانی صحیح یا سقیم برمی‌خوریم. امروزه ملاک اظهار نظرها یکسان نیست نمی‌توان به مجموعه‌ای اعتماد داشت و یا به نوشته‌ها؛ زیرا آنچه را که در کتب دبیرستان برای رسم الخط املا ذکر شده است برخلاف آن رسم الخط می‌توان در روزنامه‌های یومیه که جدیدترین مطالب را می‌نویسند، پیدا نمود و هیچ شخص مسئولیت انتقاد بر این آقایان را نیز برعهده ندارد. ترکیب‌هایی که ساخته می‌شود گاه دور از ذهن هستند در حالیکه باید بین ترکیب جانشین شده رابطه تفاهمی و ذهنی نیز وجود داشته باشد.

۹- اعمال سلیقه شخصی در تدوین و نگارش:

بسیاری از نگارش‌ها براساس اصول و قواعد تحقیق و مطالعه انجام نمی‌گیرد. تقریض‌هایی که با سوءاستفاده از نام اشخاص و اساتید معتبر انجام می‌گیرد و در لابلای این اهدا و تقدیم است که فکر فروش کتابی بر ویرایش و دقت در نگارش آن حکومت می‌نماید. همچنین فهرست منابع و مآخذی که در پایان ذکر می‌گردد چنان طولانی می‌کنند که گویی لیست کتابخانه شخصی خود را برای خریدار جدید کتاب معرفی نموده‌اند و بسیاری از ارجاعات با اصل ارجاع مطابقت ندارد.

۱۰- عینک ایسم‌های غربی و شرقی:

در مقابل تلاش گروه‌های مختلف ادبیات فارسی، احساس مسئولیت سایر طبقات مردم نیز لازم می‌نماید. واژه‌های جدیدی که توسط جوانان و یا مغازه‌ها برای استفاده‌های مادی و لذات شخصی وارد این کشور می‌شود، زمینه را برای واژه‌های دیگر و جدید وارداتی باز می‌نماید. و باید جلوی رشد این روند تازه شکل گرفته نیز که در میان طبقات مرفه و به اصطلاح بالای شهرنشینان رواج داده می‌شود به نحوی مطلوب گرفته شود تا بتوان زنگار چند صد ساله ادبیات را کنار زد و الا کوشش است نافرجام!

دست و پنجه رمان نویس‌های امروزه نیز - رمانهای سست و مبتذل پلیسی و یا عشقی اما آبکی رمانتیک و ...- که به شکل‌های متنوع و زیبایی آرایش می‌یابند خطر دیگری برای آینده نگارش فارسی است.

۱۱- تعلیم زبان فارسی از دیدگاه استاد ملک الشعرای بهار:

ایشان چنین می‌فرمایند: "که تا وقتی مردم خود را دوست دارند: بالطبع زاد و بوم و زبان و کارنامه‌های خود را نیز دوست خواهند داشت". و این دوستی موجب توجه به زاد و بوم و زبان و کارنامه‌ها گردیده و این توجه مستلزم بررسی و نگرش شده و بررسی و نگرش سبب بهبود می‌گردد. پس مردم باید که میهن، زبان و کارنامه‌های پدران خود را بررسی کرده و عیب‌های آن را کاسته و بر زیبایی و رونق آن بیفزایند و این خود امری است طبیعی و این است راز پرورش و سرمایه تمدن و پایه نخستین ترقی ملی و ... تا وقتی که مردمی شکست خورده و بی‌رو قواین ملت دیگری باشند، توجه آنها به خویشتن از لحاظ زبان، میهن و کارنامه‌های کهن کم می‌شود و زیادتر به ملت غالب و تاریخ و کارنامه‌های آن ملت توجه و اعتنا می‌نمایند: اگر صرف و نحو لغت بنویسند برای زبان فاتح و اگر تاریخ بنگارند و اگر خدمتی بکنند به میهن و مرکز اصلی همان ملت غالب خواهد بود حتی در ادبیات و اشعار هم میل دارند به زبان ملت پیروز سخن گویند.

برای زنده نگه داشتن زبان و میهن ایران، کوشش‌های فراوانی در قرون سوم، چهارم، پنجم و ششم شده و حزب شعوبیه و ... در این راه جان‌ها کنده و کارها کرده‌اند و در نتیجه آن زحمات آثار بزرگی مانند شاهنامه... و سایر تواریخ به وجود آمده است.

اما سیطره پیروزی ملت غالب، از چندین نظر مانع کمال و جمال این جنبش گردید و در کشش یک قرن، تنها تقلیدی از آن جنبش‌ها برجای مانده و حقیقتی که داشته است به تدریج از بین رفته است و علت اصلی این اوضاع، انقراض پادشاهان ایرانی نژاد و به روی کار آمدن سلاطین اجنبی بوده است.

بسیاری از لغات و ترکیبات زبان زیبای فارسی که افتخار ادبیات ما بدان‌هاست مغلوب و دست خودش حدس و تخمین شده‌اند؛ مثلاً گاهی دیده می‌شود، یک شعر که دارای یک لغت غریب است به چندین طریق نوشته و خوانده و معنی شده است. گاهی در یک فرهنگ فارسی یک لغت را به ده قسم و باده املا نوشته و ده دوازده معنی تفریبی برای هر قسمتی تصور می‌کردند که بالاخره عاقبت نه لغت اصلی به دست آمده و نه معنی حقیقی درک می‌شد؛ که بدبختانه در میان بعضی فضلاء ایران هنوز این خطا پویی پابرجاست بنابراین. لازم است که نخست متن‌های قدیمی را از گرد و غبار نسیان شسته و از دستبرد کاتبان و نویسندگان بی‌انصاف که هر کلمه‌ای را که نفهمیده‌اند عوض کرده و از کران سطری به کران سطر دیگر میان بر زده. و الفاظ قدیم را به میل خود با الفاظ معاصر بد کرده‌اند؛ آزادی بخشیده و سپس به تهیه لغت و دستوری جامع و کامل اقدام شود و تاریخی در تطور نظم و نثر تدوین گردد تا از نتیجه مجموعه این کارها بتوان درسی تمام به دانشجویان داد و آنان را برای شناوری در این دریای بی‌پایان که اقیانوس ژرف و محیطی بی‌کنار است. آماده ساخت و همگان را از بلا و دام دستورها و برهان و اندراج، یا از خلاب السنه بیگانه آزادی و خلاص داد. دوستی این زاد و بوم و توجه به ادبیات آن؛ مستلزم بررسی و نگارش شده است و ما را در اینجا متبید می‌کند و بقول شاعر:

که دراز است ره مقصد و من تو سفرم»

«همتی بدرقه راه کن ای طایر قدس

در این قسمت به دو موضوع می‌پردازیم: بعضی می‌گویند که نقص معلم است و این خطا را مرتکب می‌شویم که گمان کرده‌ایم فارسی درس دادن آسانترین کارهاست و هر کس که فارسی حرف می‌زند لابد فارسی هم می‌تواند درس بدهد. و غالباً به دنبال این نرفته‌ایم که برای تدریس فارسی معلم صاحب صلاحیت پیدا کنیم یا تربیت کنیم و به این طریق قسمتی از معلمان فارسی ما آنچنان که باید صاحب صلاحیت نیستند. بحث در این است که تنها نقص در معلم نیست. باید نقص اساسی در این باشد که اول نمی‌دانیم که چه می‌خواهیم و نمی‌دانیم که در هر کلاس و در هر دوره تحصیلی، چه چیز معین و صریحی را می‌خواهیم شاگرد بیاموزد. امروزه به لطف نظام جدید آموزشی این پراکندگی و سردرگمی نمایان تر است.

موضوع دیگر اینکه تجربه نشان داده است که غالباً در مدارس ما، در رشته‌های مختلف، شاگردانی که در رشته غیر ادبیات فارسی تحصیل می‌کنند در قسمت ادبیات فارسی قوی تر و جلوتر هستند از کسانی که خود را گروه ادبیات فارسی می‌دانند. غالباً آنها که در رشته ریاضی درس خوانده اند انشای فارسی شان بهتر است از آنها که در رشته ادبیات فارسی درس خوانده اند. البته عده‌ای تصور می‌کنند که آنها که به رشته ادبیات وارد می‌شوند از استعداد کمتری برخوردارند و این تصور غلط است و باید بنا را بر این بگذاریم که زبان رسمی و درست خواندن و درست نوشتن آن حفاظت از زبان را فراهم می‌کند و این به عهده تمام رشته‌هاست.

۱۳- تعطیل استعداد:

نقصی که ما در تدریس ادبیات و نگارش داریم این است که از شاگرد کمتر کار فکری می‌خواهیم. یعنی وقتش در کلاس تلف می‌شود و به شاگرد روشی را نمی‌آموزیم که برای آموختن آن با ذهنش عملی انجام بدهد. شاید این مورد تائید مطلب شماره ۱۲ نیز باشد آنها که شیمی می‌خوانند با ذهنشان عملی را انجام می‌دهند. ما باید درس ادبیات را از نگارش جدا کنیم و به هر یک در حد خود بها بدهیم و از دانش آموز فعالیت ذهنی و عملی بخواهیم و این حقیقت را به او بیاموزیم و بفهمانیم که این درس نیز در آینده کاری اش تأثیر دارد تا بهتر بتواند بخواند و بهتر بنویسد. ورزش ذوقی و سرمایه اطلاعاتی همراه با دانستن شیوه درست نویسی، سطح کاربرد و فعالیت را بالاتر و مفیدتر می‌کند.

۱۴- دوری از آشننگی در نگارش و تدوین متن

در برابر تمام عواملی که تا اینجا ذکر شده، مجموعه این دردها و روش‌ها در نثر فارسی ایجاد آشننگی و انحطاط کرده است و در بازار ادب فارسی هرج و مرج زبان آوری را بوجود آورده که پاسبانان نظم بخش آن هر کدام به سویی روان هستند. خود اساتید زبان ادب فارسی نیز آثار خودشان با این مشکلات متأسفانه قرین است از جمله اینکه در نثرهایشان لغات خارجی را بکار می‌برند. البته آنهایی که فرنگی بوده و فرهنگستان برای آنها معادلی تدارک ندیده است منظور نیست. دیگر اینکه اساتید ما باید توجه داشته باشند فارسی سره مخل نثر شیوا و رسا است و پیراستن الفاظ عربی و دینی نثر فارسی را در تنگنایی جدید از لفظ و معنی قرار می‌دهد.

نکته دیگری که در نگارش جدید ایجاد شبهه کرده است ذوق آزمایی و قریحه‌ای برخورد کردن اساتید است. بسیاری از قواعد دستور جنبه تاریخی دارد که باید در ضمن گفتار و نوشتار و یا در هنگام آموزش و تعلیم به تفاوت آن با روش‌های ابداعی و عملی تر امروزی زبان شناسی توجه داشته باشند.

✽ امید است این مختصر گوشه‌ای از دردهای بی شمار تدریس متون فارسی و دردهای نگارش فارسی را بیان نموده باشد.

والسلام علیکم و رحمه الله وبرکاته

آذرماه سال ۱۳۷۶

شناخت شیوه‌ی املای فارسی گام اول درست نویسی

در زمینه‌ی شیوه‌ی املای فارسی هنوز دستورالعملی واحد که مبتنی بر موازین و معیارهای علمی، تاریخی و زبانشناختی باشد، تدوین نشده است، و تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته، بیشتر محصول ذوق و استنباط شخصی صاحب‌نظران این فن است که آن هم، در برخی از موارد، به دستورالعملها و شیوه‌نامه‌هایی کاملاً مختلف و متغایر انجامیده است. با اینهمه، می‌توان، در مجموع، از آیین نامه و شیوه‌نامه‌های موجود در این زمینه، نکاتی نسبتاً مشترک و مورد اتفاق را استخراج کرد که به کار بستن آنها در درست نویسی خط و املای فارسی مفید و رهگشا باشد. در ذیل به مهمترین این نکات اشاره می‌شود:

۱- حد و استقلال دستوری هر کلمه، از نظر معنی و عمل دستوری آن، باید حفظ گردد و هر کلمه‌ی مستقل، جدا از کلمه‌های دیگر نوشته شود؛ ولی کلمات مرکبی که از این مصدرها حاصل می‌شود سرهم نوشته می‌شود مانند: دل‌داده، چشمداشت، نگاهداری یعنی:

بنویسیم	ننویسیم
چشم پوشیدن	چشمپوشیدن
دانشسرای عالی	دانشسرایعالی
دل دادن	دلدادن

آموزش نظری نگارش و ویرایش با رویکرد تطبیقی

۱- شیوه‌ی املا‌ی فارسی

۲- "باید" ها و "نباید" های املا‌ی فارسی

۳- رسم الخط فارسی در زبان معیار

۴- کلمات دخیل در املا‌ی فارسی

۵- واژه گزینی در نگارش

حشمت الله کولیوند

زینب گرمی

استاد بار مراکز آموزش عالی

دبیر ادبیات دبیرستان